

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

یکشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۶۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان

فرهنگ‌نشان



روزگشتمه (شنبه) ترورِیست‌های وابسته به گروهک ترورِیستی و تجزیه‌طلب موسوم به جیش العدل (جیش الظلم) با حمله به ساختمان دادگستری شهر زاهدان ۶ نفر را به شهادت رساندند و ۲۲ نفر را مجروح کردند.
براساس اخبار رسمی، هر سه ترورِیست حاضر در این عملیات به هلاکت رسیدند.
حمله این ترورِیست‌ها بخشی از اقدامات نیابتی رژیم صهیونی و آمریکا علیه ایران است.
به طور ویژه حمله ترورِیست‌ها به دادگستری زاهدان از نظر نوع هدف به حمله‌هوایی رژیم صهیونی به زندان اوین طی جنگ شباهت داشت.
پس از نازاری های سال ۱۴۰۱ که در میانه آن سرویس های امنیتی کشورهای اروپایی و به ویژه رژیم صهیونی میان داری کردند و همچنین آغاز جنگ طوفان الاقصی در سال ۱۴۰۲، اقدامات ترورِیستی در استان سیستان و بلوچستان در هر دو مرتبه شاهد رشد بوده‌اند.
روز جمعه منطقه سرده‌شت در آذر بایجان غربی نیز شاهد عملیات ترورِیست‌های تجزیه طلب بود.
در جریان کمین ترورِیست‌ها علیه خودروی نظامی، یک مامور حفظ امنیت به شهادت رسید.
تشدید اقدامات ترورِیستی ضرورت بررسی زمینه‌های نفوذ تل آویر برای مسدود سازی آنها را دوجندان کرده است.

لانه‌گاه ترورِیست‌ها چه محیطی است؟

گسروه جیش الظلم مانند کومله، قاعده‌ای قومی دارد. آن‌ها با بهریرداری از دوگانه قومی – مذهبی در محیط بلوچی منطقه فعالیت می‌کنند. این محیط‌ها شامل جنوب شرق ایران در استان سیستان و بلوچستان، غرب پاکستان شامل ایالت بلوچستان و جنوب غرب افغانستان شامل هلمند، قندهار، نیمروز و فراه است.
ویژگی اصلی محیط فعالیت گروه جیش الظلم مناطق با اکثریت بلوچ است که شامل مرکز و جنوب استان سیستان و بلوچستان، ایالت نیمروز افغانستان و بخش های وسیعی از بلوچستان پاکستان می شود. علاوه بر اکثریت بلوچی، وسعت زیاد و پراکندگی جمعیتی دیگر ویژگی این مناطق است. آنچه باعث بهیرد مضاعف فضا برای فعالیت گروه‌های ترورِیستی و تجزیه طلب شده، مرزی بودن و اتصال نقاط بلوچ‌نشین در این سه کشور به یکدیگر است.
زمینه‌های بحران اما عمق بیشتری دارد. در هر سه کشور هم‌زمان با پراکندگی، مناطق بلوچ‌نشین فاصله زیادی با مراکز اصلی جمعیتی و ثروتمند دارند که باعث افزایش شکاف وی بهره‌ماندن این مناطق شده است. دوری از مراکز ثروت و جمعیت، بهره‌مندی مناطق بلوچ‌نشین از مواهب ثروت را کاهش داده است. گردشگران به دلیل دوری راه، فاصله‌های طولانی در داخل مناطق و امنیت کم به دلیل مرزی بودن، تمایل کمی به سفر به چنین مناطقی دارند و سرمایه‌گذاران نیز رغبتی برای ایجاد کارخانه و مراکز تولیدی نشان نمی‌دهند.

از این رو آمیختگی جمعیتی بلوچ‌ها با دیگر اقوام و ساکنان کشورهایشان پایین است. در سوی دیگر اما ترورِیسم نیز بر پایه فقر استوار است. اگر توسعه و پیشرفتی برای

این مناطق در دستور کار باشد، گروه‌های ترورِیستی با عملیات‌های خود مانع توسعه منطقه می‌شوند؛ چراکه با توسعه، ترورِیست‌ها با مشکل جذب و ادامه حیات روبه‌رو خواهند شد. این دور ماندگی از مردم و امکانات کشور و دشمنی ترورِیست‌ها با توسعه، زمینه‌های مساعدی برای تبلیغات ترورِیستی و جذب نیرو به وجود آورده است.

کومله

کومله نیز محیط فعالیتایی تقریباً مشابه با جیش الظلم دارد. این گروه فعالیت خود را محل سکونت اقوام کردی قرار داده است. این مناطق نیز وسیع، نامهور، مرزی، دور از مراکز جمعیتی و ثروت و متصل به یکدیگرند. هر دو گروه قومی بلوچ و کرد از اقوام ایرانی اندا اما به دلیل تضعیف زمینه‌های ارتباطی با مرکز تزی ایران، در سایه تبلیغات و نفوذ خارجی دچار مشکلاتی شده‌اند. این مشکل لزوماً به معنای همکاری آن‌ها با ترورِیست‌ها نیست. اگر مردم در مناطق بلوچ و کردنشین با ترورِیست‌ها همکاری می‌کردند، وضعیت امنیتی بسیار متفاوت و ایران با بحران عمیقی روبه‌رو می‌شد. آن‌ها موافق ترورِیست‌ها نیستند و در غالب موارد آن‌ها را ماخل امنیت و پیشرفت منطقه می‌دانند؛ اما از نظر اندیشه‌ای، سیاسی و امنیتی برای مقابله به آن‌ها تجهیز نشده‌اند. در کنار این دو گروه قومی، یک گروه قومی دیگر نیز وجود دارد. در مناطقی از کشور که حضور اتباع بیگانه مجاز است، گروه‌های ترورِیستی فعالیت قابل توجهی دارند. علاوه‌بر گروه‌هایی که اهدافشان اقوام خاصی است، سازمان منافقین و سلطنت‌طلبان در گستره کشور فعالیت می‌کنند اما علی‌رغم این حوزه فعالیت، در مناطقی مانند مناطق فعالیت جیش الظلم، کومله و اتباع، توقیف و نفوذی ندارند.

زمینه‌ها

مناطق قومی و یافاصله زیاد و دشواری جغرافیایی از دیرباز محل مناسبی برای فعالیت زورگیران و گردنه‌گیران بوده‌اند. این گروه‌ها به مرور با حکومت مرکزی و عوامل حکومتی مستقر در مناطق محلی درگیر شده و کم‌کم تلاش کردند منبع تأمین مالی خود را هم گسترش داده و هم مشروع سازند. در نتیجه خود را به شکل گروه‌های آزادی‌بخش جازه‌و یا تغییر منابع اقتصادی، منابع تأمین نیروی خود را نیز تغییر دادند؛ اما به دلیل ماهیت فعالیت‌ها، این تغییرات کامل نبودند. گروه‌های ترورِیستی در سیستان و بلوچستان و کردستان همچنان با گرفتن باج از مردم محلی به‌زور اسلحه و جذب آب‌ایش، فعالیت می‌کنند.
تقویت نظم و امنیت با محوریت قرار دادن ساکنان محلی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و رفاه‌ی تواند کرده‌نگیران دیروز و باج‌گیران ترورِیست‌های پروژه‌ای امروز را در منحصه قرار دهد.

نکات

به دلیل حملات صورت گرفته علیه نقاط تجمع در اقلیم کردستان و پاکستان، امکان هجوم‌های گسترده وجود ندارد. پس از اقدامات در آئوب ۱۴۰۱، گروهک‌ها اقلیم زیر ضربه رفتند و یک‌سال بعد در پاکستان حملاتی صورت گرفت. پس از آن در قالب رزمایش‌های مختلف اقداماتی در داخل کشور

نه شعار، نه ادا توکلی واقعی بود

را همیشه فقط تندرو معرفی کنند و کمتر پیش می‌آمد با توکلی وارد چالش بشوند. لذا مثلاً الان کمتر کسی می‌داند که توکلی هم یکی از معتضان به روند تصویب برجام در مجلس بود، چون منتقدان برجام سیاستشان این بود که فقط ما منتقد برجام بودیم و دیگران محافظه‌کاری کردند و ساکت ماندند و حامیان برجام هم سیاستشان این بود که فقط تندروها مخالف برجام هستند و در میان منتقدان هیچ عقلانیتی نیست. برجام البته یک مثال بود، اما این هر دو رویکرد از سوی طیف تندروی انقلابی و اصلاح طلب، گرچه در نگاه او شاید توکلی را سانسور می‌کرد و در خبرها به حاشیه می‌راند، اما از قضا باعث شد استقلال احمد توکلی بیشتر فرصت بروز بیابد و او به استقلال و عقلایت در رأی بیشتر شناخته شود. در ولایت‌مداری هم توکلی نه نمایش‌های «در چهارچوب قانون اساسی» بودن

انجام شد. خط حمایتی نیز در پاکستان و خلیج فارس تحت فشار قرار گرفت. شبویه‌کونی عملیات‌های ترورِیستی گرچه با تعداد کمی فرد مسلح صورت می‌گیرد که نشانه‌ای از موفقیت حملات فرامرزی به پایگاه‌های آنان است، اما می‌تواند باعث بروز اشتباه در تصمیم‌گیری شود. اگر تعداد ترورِیست‌ها در عملیات کم باشد به این معناست که عملیات گسترده نظامی برای توقف فعالیت‌هایشان کم‌اثر خواهد بود، زیرا تنبوهی از نیروها که قابل مشاهده‌وضربه‌باشند وجود ندارند و افراد معذوب به شکل بسیار پنهان فعالیت می‌کنند.
با این حال شرایط کنونی علاوه‌بر شباهتش که از نظر تعداد کم ترورِیست‌های حاضر در عملیات است، تفاوت مهمی نیز دارد که در تعدد عملیات‌ها نهفته است. این روند نشان می‌دهد تعداد نیرو و هماهنگت‌ان با لاست و اقدامات نظامی فرامرزی برای کاهش اقدامات مؤثر خواهد بود.

ضربه به این ترورِیست‌ها اختلالی در مبارزه با رژیم صهیونی به وجود نمی‌آورد. مقابله با رژیم صهیونی نیازمند پافاند هوایی برای دفاع و موشک‌ها و پهپادهای انتحاری میان‌برد برای تهاجم است. حمله‌نظامی به گروهک‌ها هیچ‌کدام از این سلاح‌ها را دچار فرسایش نمی‌کند. حملات به‌این گروهک‌ها نیازمند توپخانه، راکت، موشک بالستیک تاکتیکی کوتاه‌برد و پهپادهای انتحاری سبک‌است؛ همچنین در مواردی نیازمند بهره‌گیری از نیروهای زمینی.

احتمال دارد پاکستان، افغانستان و اقلیم برآثر فشار خارجی، سیاست‌های خود یک‌دام طلایی، در مقطعی ادعا کنند تهدیدی از داخل خاک آن‌ها علیه ایران وجود ندارد. از این رو می‌توان پس از هر اقدام ترورِیستی با استناد به آن، خواستار تهاجم به نقاط تجمع ترورِیست‌ها در خاک این دولت‌ها شد. از این رو گرچه مسیر پیشینی گاهی مسدود است، اما مسیر پسینی برای تهاجم باید همیشه‌باز باشد.

برای مقابله با فعالیت‌های ترورِیستی بهره‌گیری از منافع و ظرفیت‌های محلی ضروری است. از این رو باید طبقات محلی را که از حملات زیان عیبانی می‌بینند، گردآورد. از سوی دیگر باید طوایف و مناطقی که به هر شکل تسهیل‌بری حرکت ترورِیستی بوده‌اند پاس‌خو شوند، حتی اگر برخی از این طوایف از تحركات بی‌خبر باشند. پس از پاس‌خو شدن، برای کشف اقدامات‌هشیار می‌شوند. برای بسیاری از افراد و گروه‌های معتقدی که دلشان برای اسلام و وطن می‌تد و یارها خواهان مبارزه با رژیم صهیونی شده‌اند، قطعا راهی برای مبارزه مستقیم مانند جنگ تحمیلی با صدام با جنگ با تکفیری‌ها در سوریه نیست؛ اما زمینه‌های مبارزه تل آویر وجود دارد. برنام‌ریزی و حضور در مناطق پرخطر و تلاش برای مزج شدن با جمعیت و تلاش برای آبدانی، زمینه‌ای برای مبارزه با رژیم صهیونی است.

مردم محلی به دلیل فقر، مشکلات ودوری از سیاست و هم‌زمان به‌مباران تبلیغاتی امکان چندانی برای تحرک مبتکرانه علیه ترورِیست‌ها ندارند. بخش اعظم این عدم تحرک به دلیل همراهی قلبی با ترورِیست‌ها نبوده و نیست که اگر چنین نمی‌بود، بسیاری از شهدای مبارزه با ترورِیسم از مردم محلی بلوچ اهل

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

در این سال‌ها، ضرب زرب نگرفته‌اند. او که باید می‌گفته، گفته است. یک‌بار و دوبار هم نه. بارها گفته است. ولی بازنمایی رسانه به نحوی است که حتی برخی از خواص فکر می‌کنند با پدیده تازه‌ای مواجه شده‌اند. حال آنکه این ادیب و امین زبان فارسی، ایرانی‌ترین رهبر ایران است. اخیراً دیدم فیود مناشری، مشاور بخش ایران در چند دولت اسرائیل و استاد هشتاد ساله مطالعات ایرانی در دانشگاه تل آویر، هم بر این گزاره تصریح کرد که مهم‌ترین چیز برای [آقای] خامنه‌ای ایران است.

۶- آیت‌الله خامنه‌ای به چند دلیل واضح از منظر ایران دوستی شاخص است؛ چراکه اولاً ایرانی‌های شناسد. شناختن هم‌محصول‌تجربه‌است. تعصبش به ایران محصول همین شناخت است. به‌همه جای ایران سفر کرده، وقتش را صرف واقعیت‌مردم کرده، از نوجوانی در خراسان و ارتباط با اقوام پد‌ری در آذر بایجان و تبعید در جنوب شرق کشور، مانوس بودن با رزن‌مدگان شهرهای مختلف در غرب و جنوب غرب در زمان جنگ، سفرهای استانی مفصل و شهر به شهر در دوران ریاست‌جمهوری و رهبری و بازدید از چندصد شهر، ارتباط نزدیک با ادیبان و شعرا که به تعبیری عصاره روح

تثبیتی در جنگ روایت‌ها در عرصه نظامی داشته، بلکه استفاده از واژگانی همچون «ملت ۹۰ میلیونی» و «زندگی با قدرت ادامه‌دار»، تصویری از آمیختش و اجتماعی برای مخاطب داخلی از جنگ دارد. انتظار آن است که این سبک از روایتگری، به الگویی برای سایر مسئولان عالی‌رتبه کشور در تبیین رسانه‌ای تحولات اخیر بدل شود. به‌ویژه در شرایطی که رژیم و متحدان آن، از تمام ظرفیت‌های رسانه‌ای خود برای اثرگذاری بر مخاطب ایرانی و جهانی بهره‌برده‌اند، کنش مسئولان ما نیز باید متناسب با این میدان باطراحی شود.

در مقابل، گاهی به موضوع‌گیری‌ها و روایت‌سازی‌چهره‌هایی چون دونالد ترامپ، به‌خوبی نشان می‌دهد که جبهه مقابل با چه دقت و ظرافتی در خلق حلق روایت از حوادث جنگ ۱۲ روزه است. ترامپ، با لحن پیروز‌مندانه، ایران را شکست‌خورده معرفی می‌کند، عملیات آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای در موق نشان می‌دهد و خود را پیروز میدان دیپلماسی و قدرت می‌نامد و مردم ایران را به بازگرداندن دوباره شکوه ایران یادآوری می‌شود. سایر متحلمان رسانه‌ای اسرائیل نیز از تحلیلگران گرفته

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن‌زد. خود عامل به ساد‌زیستی و سلامت اقتصادی بود و بی‌استیگی به نهادهای خاص با فساد مبارزه می‌کرد، یعنی در عدالت‌خواهی هم دنبال نمایش بازی کردن نبود. به اهمیت کنشگری رسانه‌ای واقف بود، با اهل رسانه مجالست داشت و خود نیز صاحب رسانه بود. برخلاف برخی مسئولان

ولایت‌فقیه را که اصلاح‌طلبان داشتند، داشت و مثل برخی خط‌کش دست می‌گرفت تا ببیند چه کسی به‌زم‌ام‌وز از مرز ولایت‌مداری فاصله‌گرفته است. معتقد راستینی بود که اعتقاد داشت نباید در مسیر اجرای تصمیمات ولی‌فقیه مانع بتراشد یا حاشیه ایجاد کند، لذا تعامل او با ولی فقیه به‌دور از اداهای روشنفکری یا ادعاهای تحقیر آلود از تنهایی رهبر بود. در عدالت‌خواهی هم او نمونه خاصی بود که برخلاف برخی پرچم‌داران ام‌سروزی، عدالت‌خواهی را به انگیزه‌های جناحی و سیاسی گره ن